



خانواده سالم غول تعارض در تربیت کودک را شکست می دهد

■ از زمان های قدیم که صحبت می شود، بزرگ ترها می گویند پادش بخیر، چقدر همه رفت و آمد داشتند و حتی در یک خانه چند خانواده با هم زندگی می کردند. همین فاصله کم باعث آن همه صمیمیت و آرامش بود. بزرگ ترها که جای خود، حتی بچه ها هم آرام تر و افتاده تر بودند. اصلاً رفتارشان قابل مقایسه با کودکان و نوجوانان امروزی نبود... اما چرا با این همه پیشرفت، شاهد وضع موجود هستیم؟ نسل های جدید به کجا می روند؟ به چه می خواهند برسند؟ هدفشان چیست؟ و... این نمونه سؤال ها نشان از وجود نوعی تفاوت نسلی است...

بگذارید کودک زندگی را تجربه کند

■ تربیت کودک دنیای پیچیده ای است که توجه متخصصان بی شماری را به خود معطوف کرده است. هر ساله نویسندگان بسیاری سوزه کتاب های خود را به بخشی از حوزه تربیت کودک کن اختصاص می دهند...

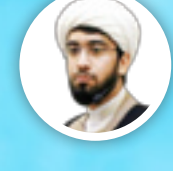
بررسی چالش های تربیتی کودکان ایرانی در آستانه روز کودک

فرزندان ایرانیم



«کلر زوبرت» نویسنده فرانسوی مسلمان شده:

آموزه های دینی را با عطر و طعم لذت بخش قصه به کودکان عرضه کنیم



حجت الاسلام علی فاطمی پور، دکترای فقه تربیت:

مسیر را درست نشان دهیم بعد بگوییم فرزندم انتخاب کن!



دکتر محمدصادق دهنادی، کارشناس بازی های رایانه ای و فعال رسانه ای:

۱۵ میلیون گیر کودک و نوجوان ایرانی در خانه همسایه بزرگ می شوند!

حجت الاسلام علیرضا فرهنگ، کارشناس مذهبی و سبک زندگی:

امنیت و آرامش بهترین هدیه ای است که به کودکان خود می دهیم

دکتر فاطمه قاسم زاده روانشناس و پژوهشگر حوزه کودکان:

قاطعانه اما محترمانه با کودک خود رفتار کنیم



خوشه چین

شفاخانه رابطه آشفته ما با خود و دیگران کجاست؟

حسین فرامرزی
چرا روابط ما با خودمان، با نزدیکان و خویشاوندان و غریبه ها چالش زاست؟ چرا ما معمولاً با خودمان و دیگران راحت نیستیم؟ نشانه این ناراحتی را می توان در بار خشم درونی و بیرونی، ملال و غم، افسردگی و نگرانی که حمل می کنیم دید. اما چرا این گونه است؟ به نظر می رسد مولانا به طرز دقیقی به این پرسش جواب داده است: «حاصل همدگر را نیک و نیک می یابد دیدن و از اوصاف بد و نیک که در هر آدمی مستعار است از آن گذشتن و در عین ذات او رفتن و نیکبختی دیدن که این اوصاف که مرده همدگر را برمی دهند اوصاف اصلی ایشان نیست»
مولانا می گوید علت سرکشگی که ما در رابطه خود با دیگران -و البته به طرز بنیادی تر در رابطه ای که با خود داریم- تجربه می کنیم به خاطر این است که ما اوصاف بد و نیک خود و دیگران را با ذات خود و دیگران یکی می بینیم. او ما را به فضایی دعوت می کند که در آن از اوصاف بد و نیک که در هر آدمی مستعار است از آن گذشتن و در عین ذات او رفتن.

در واقع بحران و چالشگی که ما در زندگی خود تجربه می کنیم از این رو است که خود و دیگران را اشتباه فرض می گیریم و از این فرض اشتباه، بنیان هایی ایجاد می کنیم که یک سر به مدار آشفته و ستیز می چرخد. فرض می کنیم که شما آقای الف را در خیابان می بینید که پر خاش می کند یا حرف نامربوطی می زند. شما در ذهن خود از پر خاش آقای الف و حرف نامربوطی که زده یک تصویر می گیرید و از آن روز به بعد هر جا که آقای الف را می بینید آن تصویر را به جای آقای الف می گذارید، در واقع آقای الف در مرحله اول به یک تصویر بدل می شود و در مرحله بعد تصویر، جای آقای الف می نشیند همچنان که ما در باره خود نیز این کار را می کنیم و تصویری که از خود داریم را به جای خود می نشانییم، چه آن تصویر خوب باشد و چه بد.

این کاری است که اغلب ما در زندگی با خود و نزدیکان خود انجام می دهیم. ما تصویری ذهنی از توانایی ها و ناتوانی ها، ترس ها، حسرت ها، امیدها، آرزوها و غم های خود داریم و عموماً گمان ما این است که ما این صفت ها هستیم در حالی که ما این اوصاف را نداریم، نه اینکه آن اوصاف باشیم. مثالی که مولانا در قیه مافیة در این باره می زند ساده و در عین حال راهگشاست. او می گوید: «حکایتی گفته اند که شخصی گفت که من فلان مرد را نیک می شناسم و نشان او بهم، گفتند فرما گفت مکاری - که بدهد حیوانات - من بود، دو گاو سیاه

خودمانی

روز کودک و تأکیدی بر اصلاح یک رفتار غلط | سرگرم کردن کودک به چه قیمتی؟!

شاهد اعتیاد مخرب بچه ها به تلفن همراه بودم. عمدتاً هم مادران بعد از چند دقیقه اسم بچه را صدا می زنند و می گویند: «گوشی رو بیار، وقت تموم شد.» البته که این جمله در خوش بینانه ترین حالت است و بسیاری مادرانی که هر جایگزینی را به بهانه های کودک خود ترجیح می دهند. مخرب بودن برخی بازی ها در آینده تربیتی کودک کن در حالی است که به صورت کلی گفته می شود کودکانی که بیش از حد وقت خود را با موبایل یا تبلت می گذرانند، فاقد مهارت های اجتماعی لازم برای تعاملات اجتماعی هستند. مثال روشن در این زمینه همین است که در مجالس مختلف عمدتاً کودکان حداقل تعامل را با یکدیگر دارند. افزون بر این با عدم رشد توانایی تعامل رودررو با دیگران، ممکن است ایجاد روابط سالم در آینده برای کودک مختل شود.



بود. یعنی این دو کودک از دو جنس متفاوت سر درگوشی فعالیت می کنند که هیچ حاصل و آورده ای برای تربیت آنها نداشت و حتی زاینخش و آسیب زا بود. البته این تنها مشتی نمونه خروار است. کم نیستند خانم های خانه داری که کودک خود را با چنین شیوه هایی سرگرم می کنند. بهترین راه از نظر آنها برای آرام کردن کودکی که بهانه می گیرد دادن گوشه تلفن به او است. این آرام کردن از سنین نوادی شروع می شود. ابتدا کودک را با عکس و فیلم های گوشه سرگرم می کنیم، بعد از سن مشخصی شریک زبانی او برای تلفن حرف زدن باعث می شود باز هم این وسیله را در دستستان او بسپاریم و بعد هم وارد دنیای بازی های پر آسبب رایانه ای می شود. بارها و بارها در مجالس مختلف

دهه آخر صفر بود که به یک هیئت خانگی دعوت شدم. مادر و دختر بچه تقریباً ۴ ساله کنارم نشسته بودند. از همان اول که نشستیم تلفن همراه مادر دست کودک و مشغول بازی کردن با آن بود. تلاش کردم نگاه نکنم اما واقعاً فضا به حدی کوچک بود که نگاه کردن به صفحه گوشی اجتناب ناپذیر شد. کودک مشغول بازی کردن در یک برنامه ای بود. یعنی دختر بچه ۴ ساله یک صورتک معمولی را با انواع و اقسام لوازم آرایشی گریم می کرد. جذاب، خوش رنگ و لعاب و قطعاً برای ساکت نگه داشتن بچه از نظر مادر این کودک، بهترین روش بود. در این بازی هر هنرنازه که کودک به شیوه بهتری عروسک را آرایش کند امتیاز بالاتری کسب خواهد کرد.

تنها چیزی که به ذهنم رسید این بود که آیا این مادر به اثرات تخریبی که این بازی بر روح و روان کودکش می گذارد توجهی دارد یا نه؟! خانم محترم، مادر عزیز می که می دانم اهل مسجد و حسینیه و هیئت هستی، اما آیا میدانی و آگاه هستی که برای سرگرم نگه داشتن کودک خود دست به چه کاری می زنی؟! عملاً آینده تربیتی و فرهنگی کودک خود را خراب می کنی و فردا روزی که هر اتفاقی بیفتد و فرزند تو در نوجوانی و جوانی به سمتی برود مقصر خودت بودی! تو از همین امروز به کودک خودت و دختر کوچکت یاد می دهی که برای امتیاز بیشتر باید بزک کند و در ناخودآگاه او میل به زیباتر دیده شدن تثبیت می شود.

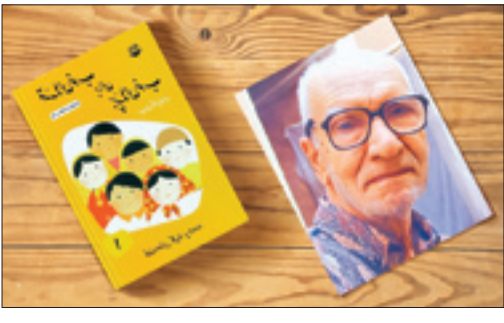
جالب تر اینکه چند متر آن طرف تر پسر بچه دیگری مشغول بازی جنگی با موبایل

درکوی نیکنامان

در احوالات مهدی آذر یزدی، خالق «قصه های خوب برای بچه های خوب»

نویسنده بزرگ کودکان هیچ وقت مدرسه نرفت

آب در نیاید و همه او را مستخره کنند اما این اثر همچنان در ذهن ها باقی ماند. او در خاطرات خود می گوید: «نخستین جلد کتاب توسط چند دانشمند، بچه کنان کتاب را پیش آقای جعفری، مدیر انتشارات امیرکبیر بردم که راضی به چاپ شد.» بعد از آن آذر یزدی دوباره داستان های کهن ایرانی را با قلمی روان و ساده برای کودکان به نگارش درآورد که حاصل آن مجموعه کتاب های «قصه های خوب برای بچه های خوب» به چاپ رسید. کتابی که جایزه یونسکو را در سال ۱۳۴۲ از آن مهدی کرد. مجموعه قصه های خوب برای بچه های خوب، به زبان های اسپانیایی، ارمنی، چینی و روسی ترجمه شده است و دوره هشت جلدی این کتاب تا به حال بیش از ۶۴ بار تجدید چاپ شده است. او از برجسته ترین نویسندگان است که آثار کهن همچون کلیه و دمنه، مثنوی مولوی و... را بازنویسی کرده است.



را بگیرد. سرآغاز آشنایی با کتاب، قلم و قصه رهسپار شدن او به کارگاه بافندگی بود، زمانی که صاحب کار گاه تصمیم گرفت دومین کتابفروشی را در یزد راه اندازی کند و مهدی برای کار به آنجا معرفی شد. او در خاطراتش می گوید: «گمان می کردم به بهشت رسیدم، تولد دوباره و کتاب خواندن من شروع شد.» بعد از مدتی به تهران آمد و در چاپخانه ای کار را شروع کرد. این نقطه عطف و شروع داستان نویسی مهدی برای کودکان بود. به این ترتیب نخستین جلد از کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» نگاشته شد. مجموعه ای که شبها در یک اتاق دو در سه متری زیر شیروانی نوشته شد. آذر یزدی نگارن بود کتاب خوبی از

مهدی آذر یزدی، نخستین نویسنده ایرانی است که به فکر نوشتن کتاب برای کودکان افتاد به همین دلیل او را پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران می شناسند. آذر یزدی در ۱۳۸۸ خورشیدی پس از مدتی دست و پنجه نرم کردن با بیماری در سن ۸۸ سالگی چشم از جهان فرو بست.